



دعای مادران در حرم برای همه مستجاب می شود

می گذرد التماس دعا دارد. شاید مادرها متفاوت ترین زائران حرم باشند زیرا وقتی دلشان می گیرد، غصه که می افتد به جانیشان، راه کج می کنند سوی حرم آقا. می نشینند یک گوشه، چادرشان را روی صورتشان می کشند و مدام می گویند: «یا رضا! یا رئوف!» چون حرم امام رضا^(ع) معروف است به عقده گشایی و باز کردن سفره دل. مادرها که کارشان گیر می کند و روزگار سخت می گیرد، یک راست می آیند باب الجواد و امام رضا^(ع) را به جگر گوشه اش قسم می دهند، به آقایی که مشکل گشای دل های بی پناه مادران خسته است. احساس من درباره مادرانی که اینجا دخیل می بندند این گونه است: آن ها انسان های خاصی هستند که از همه چیز و همه کس ناامید و بی پناه شده و حالا به امام رضا^(ع) پناه آورده اند. این خیلی بامعناست. ولادت بانو فاطمه زهرا^(س) است و نمی شود مناجات و راز و نیاز در بهشت را نادیده گرفت. گرمای نگاه امام در سرتاسر صحن و سرا در این سوز سرما دل های زائران را حسابی گرم کرده است. در صحن انقلاب می مانم تا صدای نقاره خانه را بشنوم، شیپورهایی که با نوای خود، رضایا می گویند و مژده میلاد حضرت فاطمه زهرا^(س) را گر می زنند به زلف یاری که خود آفتاب عالم تاب است.

هرگاه توفیق حضور در حرم را دارم، لحظاتی را تجربه می کنم که بهترین ساعات عمر من است. وقتی وارد حرم می شوم، فراموش می کنم بیرون از آن چه چیزهایی فکرم را مشغول کرده بود. چند ساعتی را که در حرم هستم، با آرامش کامل سپری می کنم. دست ادب بر سینه می گذارم و با کسب اجازه از مولایم وارد صحن و حریم رضوی می شوم. اینجا بهشت عاشقان است. در این بهشت هیچ چیز زیباتر از دیدار یار با چشمانی بارانی و دلی بی تاب نیست. صدای حق هق مادرانی که دست بر پنجره فولاد گره زده اند و در تمنای حاجتی اشک بر گونه هایشان جاری است، هر دلی را بی تاب می کند. آرامش تنها متعلق به بهشتی ترین نقطه جهان است، یعنی حرم آقا. یکی از شوق های کودکانی که دست در دست مادرانشان برای زیارت آمده اند دیدن کبوترهای حرم است. چه معصومانه گوشه ای در آغوش مادر می نشینند و با چشم های پاکشان پرواز کبوتران حرم را دنبال می کنند. با خودشان فکر می کنند که این کبوترها چه رازی با امام هشتم^(ع) دارند. در گوشه گوشه صحن ها و سراها دیدن مادرانی که عاشقانه به آقا سلام می کنند و نگاه پرمهرشان به گنبد امام مهربانی ها دوخته است بر دل می نشیند و هر که از کنارشان



مادر نمونه کشور

مریم کارگر عزیزی شاید تنها بانوی ایرانی باشد که پنج عضو خانواده او شهید راه اسلام و انقلاب هستند. شهید محمد کارگر عزیزی پدر و حسین و مهدی برادرانش بودند که با شروع جنگ تحمیلی راهی جبهه ها شدند. سپس همسر و فرزندش، محمدعلی و قربانعلی غفاری دوست، نیز در همین مسیر قدم گذاشتند و همگی به شهادت رسیدند تا مریم کارگر عزیزی، هم فرزند و خواهر شهید باشد هم همسر و مادر شهید. این بانوی عالی قدر از سوی بنیاد مادر عنوان مادر نمونه کشور را دریافت کرده است.



ملیحه جهانبخش
خبرنگار



سیمرغ بلورین بهترین نقش آفرینی ها در زندگی

تقدیم به مادران سرزمینم

مادر در سینمای ایران یادآور شاهکار علی حاتمی است، تصویری تمام و کمال از فرشته ای که بودنش نعمت خانه است و نبودنش گلستان خانه را به خزان می نشاند، فیلمی که اگرچه تولیدش به سال ۱۳۶۸ برمی گردد، هنوز که هنوز است هرسال در روز مادر باز نشر می شود. از دیگر تصاویر ماندگاری که از نقش مادری در قاب تلویزیون نقش بست بی بی مهربان مجید بود. در سال ۱۳۶۹ کیومرث پوراحمد در «قصه های مجید» تصویری از مادرانگی را به نمایش گذاشت که به جرئت می توان گفت صمیمت، سادگی و دل نشینی آن هرگز تکرار نشد.

پس از آن، حوالی ۱۳۷۲ بود که سریالی با نام «پدرسالار» به نمایش درآمد. اگرچه محور داستان پدری میان سال، باصلاحت و سخت گیر بود، در کنارش زنی قرار داشت که به زیباترین شکل ممکن، مکمل بودن زن را به عنوان مادری صبور و مهربان با پوشاندن خطاهای بچه ها و میانجیگری ها و آشتی دادن هایش با بازی دل نشین حمیده خیرآبادی ماندگار کرد.

پس از آن، در دهه های اخیر، در سینمای ایران و تلویزیون، زنان بسیاری یا با داشتن نقش اصلی و محوری داستان یا با نقش های فرعی، نمایی از مادران را به تصویر کشیده اند. این مادران در یک سو قوی، تکیه گاه، سرپرست خانواده، حافظ حریم امن خانه و رنج دیده اما صبور و محکم بوده اند. آثاری از سینمای دفاع مقدس به خوبی چنین تصویری از زنان ایرانی را در قالب مادران مادران روزهای جنگ نقش کرده اند. «شیار ۱۴۳» نمایی از مادری است که سه دهه چشم انتظار بازگشت پسر مفقود الاثرش بوده است یا «ویلاهای» مادری را به تصویر می کشد که در انتظار فرزندش هم صبور و منتظر است هم مراقب خانواده یا «بوسیدن روی ماه» که رنج صبوری و انتظار و فراق یک مادر شهید را به نمایش می گذارند. در برخی آثار دیگر نیز گاهی زنان در نقش های آسیب پذیر، گرفتار رنج یا بزهکاری یا آسیب های اجتماعی نقش آفرینی کرده اند که سینمای اجتماعی به آن ها پرداخته است. «زیر سقف دودی» زنی در مواجهه با طلاق عاطفی با همسرش و آسیب های ناشی از آن را نشان می دهد. مادر «خون بازی» درگیر اعتیاد دخترش شده است. «دوران عاشقی» و «عصر یخبندان» با موضوع خیانت در زندگی مشترک ساخته شده است و «دارکوب» نمایی از زنی معتاد است که همسرش او را رها کرده است.

بدون شک، مادران قصه های سینما و تلویزیون همان مادران قهرمان زندگی های واقعی هستند. بسیاری از بازیگران تنها با بازی اپیزودهایی از زندگی این مادران سیمرغ بلورین بهترین ها را گرفته اند اما هیچ کس در جهان واقعی برای صبوری، مهربانی، قدرت، حامی خانواده و دل گرمی برای حریم خانه و خانواده بودن به آن ها سیمرغ بلورین بهترین مادران دنیا را نداده است. به قول زنده یاد علی حاتمی، مادر گلستان خانه است.

